

## قوانین ریچارد روزر

باید اعتراف کنم که من آنقدر با هوش نیستم که قوانین بسیار ساده را وضع کرده باشم. حدود ۱۵ سال پیش یک بازرگان بزرگ آنها را به من داد، هر چند به شما اطمینان می‌دهم که هنوز هم قابل اجرا هستند. اگر از این قوانین تبعیت کنید و تاجایی که ممکن است به ندرت آنها را زیر پا بگذرانید، هر سال می‌توانید پول در آورید، یک سال بیشتر – یک سال کمتر – اما به هر حال پول در آورید. قوانین ساده اند اما تبعیت از آنها مشکل است.

"قوانین کهنه ... اما بسیار خوب"

اگر در این ۱۷ سالی که بازرگان بودم چیزی آموخته باشم این است که روش‌های ساده‌تر بهتر به کار می‌آیند. آنها که همیشه به شاخصه‌های پیچیده اتفاقی، میانگین‌های متغیر نسبی خطی، تکنیک‌های هموار سازی، اعداد فیبوناچی و غیره وابسته‌اند، معمولاً در هزار توی این اصول و قواعد پیچیده گم می‌شوند و نمی‌توانند تصمیمی منطقی بگیرند. یک تکنیک می‌گوید "بخر" دیگری می‌گوید "بفروش". یکی می‌گوید "موقعیت خود را تغییر نده" یکی دیگر می‌گوید "معامله تازه‌ای انجام بده" اما به خاطر داشته باشید: راه‌های ساده‌تر بهتر کار می‌کنند.

۱- نخستین و مهمترین قانون این است که در بازارهای صعودی همیشه باید در وضعیت long باشیم. این قانون ممکن است واضح به نظر آید، اما چند نفر از ما تا بحال در هر بازار صعودی اولین rally را فروخته ایم – با این دیدگاه که بازار خیلی زیاد، خیلی سریع پیش رفته است. من قبلاً این کار را کرده‌ام اما بعید می‌دانم که در آینده باز هم تکرارش کنم. به همین دلیل نتوانسته‌ایم با تشخیص دور نمایی صعود اولیه سودی به دست آوریم و در مقابل هنگامیکه در وضعیت short قرار داشتیم، حقیقتاً پول و فرصت را از دست داده ایم. در یک بازار صعودی یا باید در وضعیت long باشیم یا بی طرف. به خاطر داشته باشید: نداشتن position خود یک position است.

۲- آنچه را که نشانه قدرت است بخرید و آنچه را که نشانه ضعف است بفروشید. عامه مردم هنگام سقوط قیمت‌ها خرید می‌کنند در حالیکه حرفه‌ای‌ها هنگامی خرید می‌کنند که قیمت‌ها افزایش یافته‌اند. هر چند این ممکن است ظاهراً منطقی نباشد اما خرید قدرت به کار می‌آید. قانون نجات این نیست که "ارزان بخر، گران بفروش". بلکه این است که "گران تر بخر، گران تر بفروش" علاوه بر این با مقایسه‌ی سهام مختلف در یک گروه، فقط قوی‌ترین را بخرید و ضعیف‌ترین را بفروشید.

۳- هنگام شرکت در یک معامله چنان وارد آن شوید که گویی پتانسیل آن را دارد که تبدیل به بزرگترین معامله‌ی سال شود. تا یک معامله را به خوبی و به طور کامل بررسی نکرده‌اید و یک مبارزه را برای افزودن به معامله طرح و تدبیر نکرده‌اید و نقشه‌های احتمالی را برای خروج از معامله در نظر نگرفته‌اید، وارد یک معامله نشوید.

۴- هنگام اصلاحات خرد در برابر روند کلان به معاملات بیفزایید. در بازارهای صعودی هنگام اصلاحات خردی که به سطوح support باز می‌گردد، به معامله بیفزایید. در بازارهای نزولی هنگام اصلاحاتی که به سوی resistance هستند، بر آن بیفزایید. از ۳۳-۵۰٪ سطح اصلاحات تغییر قبلی یا از میانگین متغیر مناسب به عنوان اولین امتیازی که به آن می‌افزایید استفاده کنید.

۵- صبور باشید. اگر معامله را از دست دادید، پیش از ورود به معامله صبر کنید تا یک اصلاح اتفاق بیفتد.

- ۶- صبور باشید. هنگامیکه معامله ای در جریان است اجازه دهید که پیش رود و به آن فرصت کافی بدهید تا سودی را که انتظار دارید از آن بدست آورید.
- ۷- صبور باشید. یک ضرب المثل قدیمی می گوید: تا سود می کنید ورشکست نمی شوید. این ضرب المثل شاید بی ارزش ترین پندی است که تا به حال شنیده ام. به اعتقاد من کسب سود های جزئی مطمئن ترین راه رسیدن به ضرر نهایی است چرا که سودهای جزئی هرگز به شما اجازه پیشرفت و کسب سودهای هنگفت را نمی دهند. سود واقعی در معامله فقط در یک یا دو یا سه معامله بزرگ سال به دست می آید پس باید این توانایی را در خود پرورش دهیم و در مقابل کسب در معاملات صبور باشید و اجازه دهید تا توسعه یابد و به آن گونه معاملات بزرگ تبدیل شوند.
- ۸- صبور باشید. هنگامی که معامله ای در جریان است صبر کنید تا کار کند به آن فرصت دهید تا خود را از اختلالات گاه و بی گاه جدا کند صبر کنید تا دیگران سود شما را از آنچه که پیش از آنها دریافته اید ببینند.
- ۹- صبور نباشید. همانطور که قبلاً گفتم ضررهای سریع و کوچک بهترین ضررها هستند. از دست دادن پول مهم نیست بلکه اتلاف سرمایه های ذهنی هنگامی که آنقدر صبر می کنید تا معامله ای را از دست بدهید مهم است.
- ۱۰- هرگز تحت هیچ شرایطی به یک معامله زیان آور نیفزایید و هرگز در موقعیتی متوسط باقی نمانید. اگر در حال خرید هستید قیمت هر خرید باید از قیمت خرید قبلی بیشتر باشد و اگر در حال فروش هستید قیمت هر فروش باید از قبلی کمتر باشد. این قانونی است که باید بی چون و چرا از آن تبعیت کنید.
- ۱۱- بر روی آنچه که بیشتر در آن موفق بوده اید بیشتر کار کنید و بر آنچه که کمتر موفق بوده اید کمتر. هر روز موقعیت های مختلفی را که داشته اید بررسی کنید. به معاملاتی که بیشترین سود را داشته اند بیفزایید و از آنها که سود نداشته اند یا سود کمی داشته اند بکاهید. این موضوع پایه و اساس آن ضرب المثل قدیمی است که می گوید: ” بگذار سودت در جریان باشد“.
- ۱۲- تا زمانی که قواعد تکنیکی و پایه ای هر دو جایز ندانند معامله (trade) انجام ندهید. این قانون ممکن است چندان به مذاق کارشناسان و فن گرایان مطلق خوش نیاید اما اهمیتی نمیدهم من تا زمانی که مطمئن نشوم که آنالیزهای پایه ای من و قوانین ساده ای که از آنها پیروی می کنند در یک جهت جریان دارند معامله ای انجام نمیدهم. در این صورت می توانم با قدرت و اطمینان فعالیت کنم و موقعیت خود را حفظ نمایم.
- ۱۳- اگر ضررهای شدیدی در Equity تجربه کردید مدتی استراحت کنید تمام معاملات را ببندید و چند روز هیچ معامله ای انجام ندهید به دنبال ضررهای شدید و غیرمنتظره ممکن است ذهنتان شما را فریب دهد. سوسه انگیزه ”جبران پول از دست رفته“ بسیار شدید و قوی است که نباید تسلیم آن شد.
- ۱۴- وقتی خوب و موفق معامله می کنید کمی وسعت کار را افزایش دهید. همه ما دورانی باور نکردنی را تجربه کرده ایم که در آن تمام معاملات پر سودند. وقتی در این شرایط قرار می گیرید معاملات خود را گسترش دهید. وقتی خورشید می درخشد باید به اصطلاح پاداش خود را بگیریم.
- ۱۵- هنگام افزودن به یک معامله فقط یک چهارم تا یک دوم موجودی خود را بیفزایید. برای مثال اگر ۴۰۰ سهم از یک سهام را در اختیار دارید هنگام افزودن بیش از ۱۰۰ یا ۲۰۰ سهم نیفزایید. این کار باعث می شود که قیمت متوسط دارایی شما کمتر از نصف فاصله متغیر تغییر کند و در نتیجه شما می توانید بدون تغییر قیمت متوسط خود ۵۰ درصد اصلاحات را انجام دهید.

- ۱۶- مثل يك پارتيزان فكر كنيد. ما مي خواهيم در آن سمت از بازار مبارزه كنيم كه برنده است نه اينكه براي كسب شهرت وقت و سرمايه خود را با خريد نزول ها و فروش اوج هاي برخي تغييرات بازار هدر دهيم. وظيفه ما اين است كه با مبارزه در کنار نيروهاي برنده سود و در آمد بيشتري كسب كنيم. اگر هيچ يك از طرفين برنده نيست اصلا مجبور نيستيم مبارزه كنيم.
- ۱۷- اوج بازار با خشونت شكل مي گيرد و نزول آن با آرامش.
- ۱۸- آخرين ده درصد زمان يك جريان صعودي معمولاً ۵۰ درصد يا بيشتري متغير قيمت را در بردارد. بنا بر اين اولين ۵۰ درصد تغيير قيمت ۹۰ درصد وقت را به خود اختصاص مي دهد و بيشتري filling و backing را نياز دارد و نيز براي معامله بسيار سخت تر از ۵۰ درصد بعدي است.

هيچ نبوغي در اين قوانين نيست. اينها فقط آگاهي هاي عادي هستند نه بيشتري اما به گفته ولتر آگاهي هاي عادي غير عادي هستند. Trading يك كار معمولي است كه به عقل سليم وابسته است. اگر معاملات خود را مخالف عقل سليم انجام دهيم ضرر مي كنيم. شايد هميشه اينطور نباشد اما سرانجام به شدت ضرر خواهيم كرد. به سادگي معامله كنيد از روش هاي پيچيده و سيستم هاي تكنيكي مبهم پرهيز كنيد و فقط بر اساس روندهاي اصلي معامله نماييد.